از گوشه و کنار

نجاتیان: «ما جدا از مردم حقی ویژه نمی‌خواهیم»
دست رد سازمان نظام پرستاری به «اینترنت پرو»

در پی بالا گرفتن انتقادات نسبت به عرضه «اینترنت پرو» یا دسترسی‌های طبقه‌بندی شده، سازمان نظام پرستاری با صدور بیانیه‌ای رسمی، دریافت هر گونه امتیاز ویژه تحت این عنوان را رد کرد. این سازمان ضمن تاکید بر لزوم دسترسی آزاد و عادلانه به شبکه جهانی برای تمام آحاد جامعه، برخورداری از «اینترنت بدون فیلتر» به قیمت ایجاد شکاف اجتماعی را مغایر با اخلاق حرفه‌ای و عدالت اجتماعی دانست. احمد نجاتیان، رئیس سازمان نظام پرستاری نیز در این مورد گفت: تا زمانی که مردم و گروه‌های دیگر به اینترنت دسترسی کامل ندارند، ما نیز هیچ درخواست ویژه‌ای نداریم. این اقدام سازمان نظام پرستاری، دومین واکنش صریح نهادهای صنفی بزرگ کشور در روزهای اخیر است. پیش از این نیز «کانون وکلای دادگستری سمنان» با پیشتازی در این مسیر، اعلام کرده بود که از دریافت چنین دسترسی‌های متمایزی خودداری می‌کند.

ایمان معماریان بازداشت شد

ایمان معماریان دامپزشک حیات وحش و فعال محیط زیست بازداشت شد. بنا بر اطلاعات رسیده، ایمان معماریان دامپزشک و فعال حوزه محیط زیست شش روز قبل یعنی اول اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ در محل کار خود در تهران بازداشت شد. از نهاد بازداشت کننده ایمان معماریان و همچنین عنوان اتهامی او هیچ اطلاعی در دست نیست. ایمان معماریان که فارغ‌التحصیل رشته دامپزشکی از دانشگاه تهران است، در دو دهه گذشته در حوزه حیات وحش در ایران فعالیت دارد. بازداشت معماریان آن هم در شرایطی که او با بیماری زمینه‌ای درگیر است و باید به‌طور مداوم تحت مداوا و زیر نظر پزشک معالج باشد، موجب نگرانی دوستان و نزدیکانش شده‌است.

بروز سرطان پستان در ایران در سنین پایین‌تر از میانگین جهانی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: سن بالای ۴۰ سال، سوابق خانوادگی، جهش‌های ژنتیکی (مانند BRCA۱ و BRCA۲) و مسائل هورمونی از عوامل غیرقابل کنترل هستند؛ اما در مقابل، مواردی نظیر چاقی، کم‌تحرکی، مصرف دخانیات و الکل، رژیم غذایی نامناسب و استفاده طولانی‌مدت از هورمون‌درمانی پس از یائسگی، از جمله عوامل خطری هستند که با اصلاح سبک زندگی می‌توان آن‌ها را مدیریت کرد. به گزارش ایلنا، سمیه علیرضایی اظهار داشت: سرطان پستان در حال حاضر شایع‌ترین بدخیمی در میان زنان و از جدی‌ترین چالش‌های سلامت عمومی در ایران است. نکته حائز اهمیت در کشور ما، بروز این بیماری در سنین پایین‌تر نسبت به بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته است که همین امر ضرورت توجه مضاعف به برنامه‌های پیشگیرانه را دوچندان می‌کند.

پلمب ۳ واحد صنفی در تهران به دلیل استفاده از استارلینک

مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از پلمب ۳ واحد صنفی در تهران به دلیل استفاده از استارلینک خبر داد. مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد: پیرو اخبار و اطلاعات مردمی مبنی بر استفاده غیرمجاز از تجهیزات اینترنت ماهواره‌ای، ماموران اداره اماکن سازمان اطلاعات پلیس پایتخت به یکی از مجتمع‌های تجاری در شمال غرب تهران مراجعه کردند در بررسی‌های انجام شده، سه واحد صنفی که از تجهیزات ماهواره‌ای غیرمجاز استفاده می‌کردند، شناسایی شدند بر اساس بررسی‌های میدانی، مشخص شد برخی متصدیان این واحدها، علاوه بر اهداف ادعایی مانند ارتباط با بازارهای مالی، اقدام به برقراری ارتباط مستمر با شبکه‌های معاند و ضدانقلاب کرده و حتی یکی از آنها طی ۱۹ مرحله ارتباط با این شبکه‌ها اقدام به ارسال فیلم‌های مربوط به جنگ رمضان بویژه محل مورد اصابت قرار گرفته و.... کرده است

ثبت ۲۰۱۰ مورد ابتلا به مالاریا در کشور طی سال گذشته

رییس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفت: بر اساس نظام دیده‌بانی بیماری، در سال ۱۴۰۳ مجموعاً ۷۳۴۰ مورد ابتلا به مالاریا در کشور ثبت شده بود. یک سال بعد، در ۱۴۰۴، این رقم به ۲۰۱۰ مورد رسید؛ یعنی کاهش ۷۳ درصدی در یک سال. پشت این درصد، سال‌ها کار بی‌وقفه در تشخیص زودهنگام، درمان به‌موقع، مراقبت مستمر، کنترل ناقلین و جلب مشارکت مردم نشسته است. به گزارش ایلنا، قباد مرادی افزود: بخش مهمی از بار بیماری، همچنان مربوط به موارد وارد شده از خارج مرزهاست؛ موضوعی که بیش از هر جا، اهمیت مرزهای شرقی و به‌ویژه جنوب شرق کشور را برجسته می‌کند. این نقاط، همان خط مقدم خاموشی‌اند که همکاران ما در آنجا زیر فشار گرما، شرایط سخت جغرافیایی و چالش‌های اجتماعی و اقتصادی، مراقب‌اند چراغ مالاریا دوباره روشن نشود. در کنار این چالش، تأثیر تغییرات اقلیمی، جابه‌جایی جمعیت‌ها، تبعات جنگ تحمیلی و فشار تحریم‌های اقتصادی هم سایه خود را روی روند حذف مالاریا می‌اندازند. عبور از این موانع، فقط با تکیه بر یک بخش ممکن نیست؛ نیازمند تأمین و پایداری منابع، انسجام بین‌بخشی و همکاری‌های جدی‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی است.

کشف ۴ پایه ستون اشیای تاریخی در مرودشت

فرمانده انتظامی مرودشت از کشف ۴ پایه ستون اشیای تاریخی و دستگیری ۲ نفر در عملیات پلیس این شهرستان خبر داد. به گزارش ایلنا این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در این زمینه ۲ نفر دستگیر و به مرجع قضایی معرفی شدند، تصریح کرد: برابر اعلام نظر کارشناسان مربوطه اشیای مکشوفه قدمت تاریخی دارد.

آموزش عمومی میان کمبود معلم، کلاس‌های آنلاین نامنظم و شهریه‌های نجومی پادر هواست

مدارس بدون ریتم؛ آموزشِ بی‌وقفه تعطیل!

سعیده علیپور

وزیر آموزش‌وپرورش از کمبود ۱۲۰ هزار معلم می‌گوید و همزمان با لحنی عجیب تأکید می‌کند که «اوضاع رو به بهبود است»؛ سخنی که اگر با نیم‌نگاهی به کلاس‌های نیمه‌تعطیل امسال خوانده شود، بیشتر شبیه شوخی تلخی است که کسی حوصله خندیدن به آن را ندارد. سال تحصیلی جاری، بعد از تجربه کرونا، رکوردار تعطیلی‌های پی‌درپی شد؛ از آلودگی هوا و ناترازی انرژی گرفته تا سایه جنگ و قطعی اینترنت که حتی همان آموزش مجازی حداقلی را هم از نفس انداخت. نتیجه، مدرسه‌ای است که روی کاغذ باز است اما در عمل از حیز انتفاع ساقط شده؛ نه کلاس منظم دارد، نه آموزش پیوسته، نه حتی جایگزین قابل اتکایی برای روزهای تعطیل.

در این میان، تناقضی که خانواده‌ها هر روز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عریان‌تر از همیشه است: باید پول داد، حتی وقتی آموزشی در کار نیست! مدارس غیردولتی با شهریه‌های چند ده تا چند صد میلیونی، و مدارس دولتی با دریافت‌های اجباری در پوشش‌های مختلف، عملا آموزش را به کالایی تبدیل کرده‌اند که کیفیتش تضمین‌شده نیست. خانواده‌ای که هزینه می‌کند، نه اطمینان دارد کلاس‌ها برگزار می‌شود، نه مطمئن است فرزندش چیزی بیش از چند جلسه پراکنده یاد می‌گیرد.

از آن سو، نشانه‌ها طوری کنار هم می‌نشینند که این گمان را تقویت می‌کنند: شاید خود سیستم هم چندان بی‌میل نیست که وضعیت همین گونه ادامه پیدا کند. وقتی کمبود معلم جدی است، بودجه کفایت نمی‌کند و مطالبات معلمان روی هم انباشته شده، تعطیلی‌های مکرر و آموزش نیم‌بند، به نوعی سوپاپ اطمینان تبدیل می‌شود؛ راهی برای کنترل هزینه‌ها، به تعویق انداختن بحران نیروی انسانی و کم کردن فشار پاسخگویی. در چنین معادله‌ای، آنچه آرام و بی‌صدا حذف می‌شود، نه فقط کیفیت آموزش، که اصل «مدرسه» به‌عنوان یک نهاد عمومی است.

در برخی مدارس دولتی حاشیه شهرها، دبیر علوم ناچار است همزمان فیزیک، شیمی و زیست درس بدهد؛ نه به‌دلیل مهارت چندرشته‌ای، بلکه به‌خاطر نبود نیروی جایگزین

اعترافی که شبیه گزارش عملکرد نیست

اظهارات اخیر علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش، درباره کمبود گسترده معلم، بیش از آنکه زنگ خطر تازه‌ای باشد، شبیه صورت‌جلسه‌ای است از آنچه همین حالا در کلاس‌ها جریان دارد. وقتی او از «مدیریت این کمبود با جابه‌جایی‌های هدفمند و حضور شبانه‌روزی نیروها» حرف می‌زند، ترجمه خودمانی‌اش این است: یک معلم به‌جای دو یا سه نفر تدریس می‌کند، کلاس‌ها روی هم سوار می‌شوند، برنامه‌ها فشرده و بی‌رمق‌تر از همیشه پیش می‌روند و کیفیت آموزش، اولین چیزی است که قربانی می‌شود.

درواقع آنچه وزیر با افتخار از آن سخن می‌گوید مدیریت بحران نیست، بلکه نوعی سرپانگه‌داشتن حداقلی سیستمی است که از درون دچار فرسایش شده‌است.

نمونه‌های عینی این وضعیت را می‌شود در اغلب مدارس، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، به‌وضوح دید. در برخی مدارس دولتی حاشیه شهرها، دبیر علوم ناچار است همزمان فیزیک، شیمی و زیست درس بدهد؛ نه به‌دلیل مهارت چندرشته‌ای، بلکه به‌خاطر نبود نیروی جایگزین. در مقطع ابتدایی، کلاس‌های ۳۵ تا ۴۵ نفره دیگر موضوع عجیبی نیستند؛ کلاس‌هایی که در آن یک معلم باید همزمان چند پایه را مدیریت کند. در برخی مناطق روستایی، دانش‌آموزان هفته‌ها بدون معلم ثابت می‌مانند و آموزش به‌شکل چرخشی، موقت یا حتی با تأخیر چندماهه شروع می‌شود. این وضعیت به‌قدری تکرار شده که دیگر از حالت استثنا خارج و به قاعده‌ای نانوشته تبدیل شده‌است.

اما به همه این گرفت و گیرها آموزش آنلاین را هم اضافه کنید. در ماه‌های اخیر، همزمان با تعطیلی‌های پی‌درپی مدارس، آموزش مجازی هم به‌دلیل قطعی یا اختلال اینترنت، عملا کارکرد خود را از دست داده. در بسیاری از موارد، کلاس‌های آنلاین یا اصلا تشکیل نشده‌اند یا به جلساتی کوتاه، بی‌تعامل و بی‌اثر تبدیل شده‌اند. معلمی که خود با مشکلات اتصال دست‌وپنجه نرم می‌کند، نمی‌تواند کلاس منسجم برگزار کند و دانش‌آموزی که اینترنت پایدار یا ابزار مناسب ندارد دوالبته اولیایی به شدت پیگیر، عملا از چرخه آموزش حذف می‌شود.

در برخی مدارس، روایت‌ها از این هم تلخ‌تر است: دانش‌آموزانی که فقط از طریق پیام‌رسان‌ها، آن هم با تأخیر، تکالیف را دریافت می‌کنند و هیچ توضیح یا بازخوردی در کار نیست. خانواده‌هایی که می‌گویند عملا نقش معلم را در خانه برعهده گرفته‌اند، بی‌آنکه ابزار یا توان لازم را داشته باشند. نتیجه، نوعی آموزش حداقلی و نابرابر است که نه جایگزین کلاس حضوری می‌شود و نه حتی می‌تواند عقب‌ماندگی‌ها را جبران کند.

وقتی کمبود معلم جدی است، بودجه کفایت نمی‌کند و مطالبات معلمان روی هم انباشته شده، تعطیلی‌های مکرر و آموزش نیم‌بند، به نوعی سوپاپ اطمینان تبدیل می‌شود؛ راهی برای کنترل هزینه‌ها، به تعویق انداختن بحران نیروی انسانی و کم کردن فشار پاسخگویی

در چنین شرایطی، ترکیب کمبود معلم، کلاس‌های فشرده و آموزش آنلاین ناکارآمد، یک چرخه معیوب ساخته که به واسطه آن فاتحه نظام آموزشی‌اش را باید خواند.

شهریه برقرار ولی آموزش تعطیل

در این میان، شاید تلخ‌ترین بخش ماجرا، تناقض میان هزینه و کیفیت باشد. خانواده‌ها همچنان برای ثبت‌نام فرزندانشان پول می‌پردازند؛ از یک تا ۱۰ میلیون تومان در مدارس دولتی تحت عنوان‌های مختلف، تا بیش از ۱۰۰ میلیون تومان در مدارس غیردولتی. گزارش‌های غیررسمی حتی از ارقام نزدیک به یک میلیارد تومان هم حکایت دارند.

اما در مقابل این هزینه‌ها، چه چیزی دریافت می‌شود؟ کلاس‌هایی که تشکیل نمی‌شوند، معلمانی که جایگزین موقت‌اند و برنامه‌هایی که مدام تغییر می‌کنند.

یکی از والدین در تهران می‌گوید: «برای مدرسه غیرانتفاعی پسرم ۱۵۰ میلیون دادم، اما از مهر تا حالا شاید نصف روزها کلاس واقعی داشته. بقیه‌اش یا تعطیل بوده یا آنلاین، آن هم بدون کیفیت.» این روایت، کمابیش در طبقات مختلف تکرار می‌شود.

در مدارس دولتی هم وضعیت بدتر نباشد، بهتر نیست. اگرچه دریافت شهریه رسمی ممنوع است، اما کمک‌های اجباری، هزینه سرویس، کلاس‌های فوق‌برنامه و... عملا بار مالی قابل توجهی به خانواده‌ها تحمیل می‌کند.

داده‌های آموزشی، تصویری نگران‌کننده از وضعیت یادگیری ارائه می‌دهند. نتایج آزمون‌های بین‌المللی مانند TIMSS و PIRLS نشان می‌دهد دانش‌آموزان ایرانی در مهارت‌های پایه مانند ریاضی و خواندن، با افت مواجه شده‌اند.

در سطح داخلی هم، معلمان از افزایش تعداد دانش‌آموزانی می‌گویند که در پایه‌های بالاتر، مهارت‌های ابتدایی را به‌خوبی یاد نگرفته‌اند. دانش‌آموزی در پایه هشتم که هنوز درک درستی از مفاهیم ساده ریاضی ندارد، یا دانش‌آموز ابتدایی که در خواندن متن روان مشکل دارد، دیگر موارد نادر نیستند.

این افت، فقط یک مسئله آموزشی نیست؛ به‌طور مستقیم بر آینده شغلی و اجتماعی این نسل اثر می‌گذارد.

فرسودگی در کلاس حضوری، رهاشدگی در کلاس آنلاین

در سوی دیگر این معادله، معلمانی ایستاده‌اند که باید بار کمبود نیرو، بی‌نظمی تقویم آموزشی و فشار معیشتی را همزمان تحمل کنند؛ اما واقعیت این است که این بار دیگر به‌سختی قابل حمل است.

در حالی که حقوق با تورم فاصله‌ای نجومی دارد، مطالبات ماه‌ها عقب می‌افتد و امنیت شغلی برای بخش بزرگی از نیروها (از حق‌التدریسی‌ها تا خرید خدمات) در حد یک قرارداد کوتاه‌مدت باقی می‌ماند، انتظار «کیفیت پایدار» از دل چنین شرایطی، بیشتر شبیه یک خواسته آرمانی است تا یک مطالبه واقعی.

این وضعیت در کلاس‌های حضوری خود را به شکل فرسودگی مزمن نشان می‌دهد، اما در آموزش آنلاین، تقریبا به رهاشدگی نزدیک‌تر است. معلمی که می‌داند قرار نیست دستمزدش به موقع پرداخت شود یا اضافه کاری‌اش تسویه شود، انگیزه‌ای ندارد که برای یک کلاس مجازیِ بی‌ثبات، زمان و انرژی مضاعف بگذارد. نتیجه، کلاس‌هایی است که یا کوتاه و سرسری برگزار می‌شوند یا به ارسال چند فایل و تکلیف در پیام‌رسان‌ها تقلیل پیدا می‌کنند.

از سوی دیگر، خود بستر آموزش آنلاین هم عملا از کنترل خارج است. قطعی و اختلال اینترنت، عدم دسترسی بخشی از دانش‌آموزان به ابزار مناسب و نبود زیرساخت یکپارچه، باعث شده کلاس مجازی نه نظم داشته باشد، نه اقتدار. معلم در بسیاری از موارد نمی‌داند چند نفر واقعا در کلاس حضور دارند، نمی‌تواند مشارکت دانش‌آموزان را مدیریت کند و ابزار مؤثری برای ارزیابی یادگیری در اختیار ندارد. دانش‌آموز هم، در غیاب نظارت واقعی، به‌راحتی از کلاس خارج می‌شود یا اصلاً وارد آن نمی‌شود.

در چنین فضایی، کنترل کلاس -که در آموزش حضوری هم کار ساده‌ای نیست- در نسخه آنلاین تقریبا ناممکن می‌شود. روایت‌های متعددی از معلمان وجود دارد که می‌گویند در کلاس مجازی، دانش‌آموزان یا میکروفون را باز نمی‌کنند، یا پاسخ نمی‌دهند، یا اصلا هویتشان در کلاس مشخص نیست. بعضی‌ها فقط «آنلاین» هستند، بدون اینکه واقعا در فرآیند یادگیری حضور داشته باشند. در چنین شرایطی، کلاس مثلا برگزار می‌شود، اما آموزش نه.

مدرسه، از نهاد آموزشی تا فضای بی‌ثبات اجتماعی

کارکرد مدرسه همیشه فراتر از انتقال چند سرفصل درسی بوده؛ مدرسه جایی است که کودک و نوجوان در آن «روال» را یاد می‌گیرد، با زمان‌بندی، نظم، رابطه با همسالان و حتی قواعد حداقلی زندگی جمعی آشنا می‌شود. اما وقتی همین فضا بی‌ثبات می‌شود، این کارکردهای پنهان و اساسی هم فرو می‌ریزد. مسئله فقط از دست رفتن چند ساعت آموزش نیست، بلکه نوعی اختلال در تجربه روزمره زندگی است.

در ماه‌های اخیر، روایت‌های عینی از دل مدارس و خانواده‌ها نشان می‌دهد این بی‌ثباتی چگونه به اضطراب آموزشی تبدیل شده. دانش‌آموزی که شب نمی‌داند فردا مدرسه‌اش دایر است یا نه، اینترنت متصل خواهد بود یا نه، صبح را با بلاتکلیفی شروع می‌کند.

در آموزش آنلاین، این وضعیت حتی عریان‌تر است. دانش‌آموزی که در خانه، بدون نظارت مستقیم و در فضایی پر از حواس‌پرتی به کلاس وصل می‌شود، اغلب تمرکز لازم را ندارد. خیلی‌ها فقط نامشان در کلاس ثبت می‌شود، بدون اینکه مشارکت واقعی داشته باشند. معلم هم ابزار چندانی برای بازگرداندن این تمرکز ندارد. این یعنی نوعی «حضور صوری» که جایگزین یادگیری واقعی شده.

پیامد این وضعیت، کاهش انگیزه است؛ پدیده‌ای که معلمان به‌وضوح از آن حرف می‌زنند. دانش‌آموزی که بارها با تعطیلی ناگهانی، کلاس‌های نیمه‌کاره و آموزش بی‌کیفیت مواجه شده، به‌تدریج نسبت به کل فرآیند آموزش بی‌اعتماد می‌شود. برای او، مدرسه دیگر آن فضای قابل پیش‌بینی و معنادار نیست، بلکه به چیزی شبیه یک برنامه ناپایدار تبدیل شده که نمی‌توان روی آن حساب کرد.

به این‌ها باید فشار پنهان خانواده‌ها را هم اضافه کرد. والدینی که می‌بینند فرزندشان نه آموزش منسجم دارد، نه انگیزه، و در عین حال باید هزینه‌های آموزشی را هم بپردازند، خودشان به منبعی از اضطراب تبدیل می‌شوند. این اضطراب، ناخواسته به دانش‌آموز منتقل می‌شود و چرخه‌ای از نگرانی و بی‌انگیزگی را شکل می‌دهد.

در مجموع، آنچه امروز در حال رخ دادن است، صرفاً یک افت آموزشی نیست؛ نوعی بی‌ثباتی ساختاری است که دارد به لایه‌های روانی و اجتماعی زندگی دانش‌آموزان نفوذ می‌کند. نسلی که مدرسه را نه به‌عنوان یک تکیه‌گاه، بلکه به‌عنوان یک تجربه نامنظم و غیرقابل پیش‌بینی می‌شناسد، احتمالاً در آینده هم نسبت به نهادهای رسمی، همین میزان بی‌اعتمادی را با خود حمل خواهد کرد.

گفت و گو

موسوی چلک خبر داد؛

شناسایی ۱۸۶ هزار کودک مضطرب در میان ۹۰۰ هزار غربال‌شده

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در توضیح علت انتخاب قصه درمانی به عنوان یکی از روش‌های مداخله‌ای گفت: در سن ۵ تا ۸ سالگی، تفکر کودک بیشتر نمادین است و او نمی‌تواند درباره اضطراب خود به شکل انتزاعی و مستقیم صحبت کند اما قصه‌گویی این امکان را به کودک می‌دهد که احساساتش را به‌صورت غیرمستقیم و از طریق شخصیت‌های داستان بیان کند، بدون آنکه احساس خجالت یا ناتوانی داشته باشد.

وی افزود: قصه‌ها الگوهای سالم مقابله با ترس و نگرانی را به کودک آموزش می‌دهند و در تنظیم هیجان نیز بسیار مؤثرند؛ به‌گونه‌ای که کودک می‌تواند ترس خود را به‌صورت تدریجی کاهش دهد و با آن کنار بیاید.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از غربالگری نزدیک به ۹۰۰ هزار کودک خبر داد و گفت: ۱۸۶ هزار کودک ۵ تا ۶ ساله با نشانه‌های اضطراب شناسایی و برای دریافت خدمات روانشناختی ارجاع شده‌اند.

به گزارش ایلنا به نقل از سازمان بهزیستی کشور، سیدحسن موسوی‌چلک با هشدار نسبت به افزایش نشانه‌های پنهان اضطراب در کودکان گفت: اگرچه داده‌های آماری برنامه غربالگری اضطراب تفاوت فاحشی نسبت به سال‌های گذشته نشان نمی‌دهد اما تجربه‌های بالینی مؤید آن است که فشارهای اقتصادی، تنش‌های خانوادگی، اخبار مکرر بحران و ناامنی و نیز تجربه مستقیم یا غیرمستقیم جنگ، کودکان را در معرض هوشیاری مزمن روانی قرار داده است.

وی افزود: نتایج مطالعات همه‌گیری کرونا نشان داد شیوع علائم اضطراب در کودکان در برخی کشورها تقریباً دو برابر قبل از کرونا شده است اما در ایران اگرچه آمارهای غربالگری تغییر چشمگیری را ثبت نکرده با این حال در شرایطی که کودکان در معرض تنش‌های مداوم قرار می‌گیرند، سیستم عصبی آنان در وضعیت هشدار باقی می‌ماند و این مسئله در گروه سنی ۵ تا ۸ سال بیشتر به شکل علائم رفتاری بروز پیدا می‌کند علائمی که به دلیل ناآگاهی یا گرفتاری خانواده‌ها گاه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اجرای برنامه ملی غربالگری اضطراب کودکان گفت: تاکنون به صورت تقریبی ۸۹۹ هزار و ۷۹۳ کودک ۵ تا ۶ ساله در کشور غربالگری شده‌اند که از این تعداد ۱۸۶ هزار و ۷۷۲ کودک مشکوک به اضطراب شناسایی شده‌اند از مجموع کودکان مشکوک، ۱۴۱ هزار و ۲۹۳ نفر برای دریافت خدمات روانشناختی به مراکز مشاوره ارجاع شده‌اند که این رقم حدود ۷۶ درصد کودکان شناسایی‌شده را شامل می‌شود.

موسوی‌چلک با بیان اینکه علائم اضطراب در کودکان ۵ تا ۸ سال بیشتر به صورت نشانه‌های رفتاری و جسمانی خود را نشان می‌دهد، اظهار کرد: دل‌درد و سردردهای مکرر بدون علت پزشکی، تهوع صبحگاهی پیش از رفتن به مدرسه، شب‌ادراری، اختلال خواب و کابوس، ترس شدید از جدایی، چسبندگی افراطی به والدین و همچنین پرخاشگری از مهم‌ترین نشانه‌هایی است که خانواده‌ها باید نسبت به آن حساس باشند. اگر این علائم بیش از چهار هفته ادامه پیدا کند و عملکرد روزمره کودک را مختل سازد، کودک نیازمند ارزیابی تخصصی و دریافت مداخلات روانشناختی است.

وی درباره منشأ اضطراب کودکان امروز نیز گفت: هرچند پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده اما تجربه‌های بالینی نشان می‌دهد اضطراب و تنش والدین در رتبه نخست عوامل اضطراب‌زا برای کودکان قرار دارد. پس از آن تعارض‌های خانوادگی، استفاده افراطی از فضای مجازی، فشار مدرسه و مواجهه مکرر با اخبار ترسناک از جمله مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده اضطراب در کودکان محسوب می‌شوند.

فقط ۹۱ مرکز تخصصی کودک و نوجوان در کشور داریم

موسوی‌چلک در پاسخ به این پرسش که آیا ظرفیت مراکز مشاوره برای درمان این کودکان کافی است یا خیر، تصریح کرد: در حال حاضر از مجموع ۲۹۰۳ مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی فعال در کشور تنها ۹۱ مرکز به صورت تخصصی در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند که این عدد تنها حدود ۳ درصد کل مراکز را شامل می‌شود. همین آمار به‌روشنی نشان می‌دهد ظرفیت تخصصی موجود پاسخگوی حجم نیاز خانواده‌ها نیست هرچند مراکز مشاوره عمومی نیز تا حدی به ارائه خدمات به کودکان می‌پردازند.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با تشریح علت انتخاب گروه سنی ۵ تا ۸ سال برای مداخلات اضطرابی گفت: در این سنین به دلایل عصب‌رشدی، مدارهای آمیگدال و قشر پیش‌پیشانی مغز در حال شکل‌گیری هستند، انعطاف‌پذیری عصبی بالاست و الگوهای مقابله‌ای کودک هنوز تثبیت نشده‌اند بنابراین این دوره زمان طلایی برای مداخله محسوب می‌شود.

وی هشدار داد: اگر اضطراب مزمن در این سنین مورد درمان قرار نگیرد خطر بروز افسردگی، اختلالات شخصیت و حتی سوءمصرف مواد در سال‌های بعد افزایش می‌یابد. اضطراب درمان‌نشده در کودکی همچنین می‌تواند به افت تحصیلی، ضعف مهارت‌های اجتماعی، کاهش عزت‌نفس و شکل‌گیری اختلالات اضطرابی مزمن در بزرگسالی منجر شود.

تجربه جنگ و کرونا؛ افزایش ترس از صداهای بلند و تاریکی در کودکان

وی درباره تأثیر بحران‌های اخیر بر سلامت روان کودکان نیز گفت: هرچند مطالعه مستقلی در این زمینه انجام نشده اما تجربه‌های میدانی ناشی از همه‌گیری کرونا و نیز جنگ ۱۲ روزه اخیر نشان داد علائمی نظیر اضطراب جدایی، شب‌ادراری، ترس از صداهای بلند، حساسیت به تاریکی، پرخاشگری و اختلال خواب در میان کودکان افزایش یافته‌است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

م.الف: ۱۴۰۳۸

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۵۷۰۵۴۳۸۵ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف و ضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن دیوارگر فرزند محمدرضا بشماره شناسنامه ۳۵۶۹ با کد ملی ۰۰۶۳۵۴۴۶۷۹ بصورت ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۹۶۷/۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۴ اصلی واقع درشهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای حسین احدی از ورثه محسن صرفی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۱/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

شناسه آگهی: ۲۱۵۸۸۲۷

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۷۹۰ تقاضای آقای محمد علی جلالی شاهکوه به شماره شناسنامه ۴۷۴ و کد ملی ۲۱۲۱۴۷۹۱۲۰ فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت: ۱۶۸.۷۵ متر مربع از پلاک شماره ۱۲ اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲

جواد پورمند - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان